تفسیر فارسی خواجه عبدالله انصاری

معین، محمد

نسخهء نفیس از تفسیری فارسی بنام خواجهء انصاری در کتابخانهء آستانهء رضوی موجود است که بشمارهء 30 در فهرست کتب خطی ثبت شده است.

عبد اللّه انصاری

شیخ الاسلام ابو اسمعیل عبد اللّه بن ابی منصور محمد بن علی انصاری هروی‏ حنبلی معروف به پیر انصار یا پیر هری،عالم و عارف مشهور متولد بسال‏ 396 در هرات و متوفی در ذی الحجهء سال 481 هجری است‏1.کتب ذیل را بدو نسبت داده‏اند2: فارسی:مناجات نامه که در تهران بسالهای 1299 و 1304 قمری و در هند بسالهای‏ 1286 و 1297 بچاپ رسیده-زاد العارفین-کنز السالکین‏3-قلندرنامه‏3-محبت‏نامه‏3- الهی نامه‏3-4،-نصایح-رسالهء اسرار-دل و جان‏3-واردات‏3-مقولات‏3-هفت حصار3.

(1)-رجوع شود:نفحات الانس جامی چاپ کلکته ص 212-طبقات المفسرین سیوطی،چاپ مرزینکه‏ ص 24-دائرة المعارف اسلام:انصاری-مقدمهء رسایل خواجه چاپ ارمغان سال 1319

(2)-برای اطلاغ از آثار خواجه رجوع شود:

Ethe,dans Grundriss der iran.Philol.11,282.

(3)-در مجموعهء رسائل خواجه عبد اللّه چاپ ارمغان درج شده.

(4)-این رساله باهتمام S.de Beaurecueil در قاهره بسال 1948 طبع شده.

دنباله صفحه اول‏ آنها شرایطی راجع بشماره و کاغذ و گراور و غیره تعیین کرد که شایسته وزارت فرهنگ نبود و نتیجه این شد که عده‏ای از ناشران و فروشندگان از معاش محروم و دانش‏آموزان تا مدتی‏ بدون کتاب و بی‏تکلیف ماندندو حال هم پاره‏ای از آن کتابها یافت نمیشود.عقیده برخی‏ از متصدیان امر مبتنی بر اینکه اگر باختیار ناشران واگذار شود کتابها بصورتی نامطلوب‏ تهیه و ببهائی گران فروخته خواهد شد تا کنون بثبوت نرسیده است.چندین سالست وزارت‏ فرهنگ چاپ کتب دبستانی را مستقیما یا بالواسطه در اختیار و انحصار خود دارد و بتصدیق‏ اولیای اطفال و غالب آموزگاران همه سالب اسباب نگرانی و کمیابی و گرانی کتاب فراهم‏ گردیده است.صلاح آنست که بناشران موقع داده شود تا کتب درسی را که متخصصان‏ آموزش و پرورش تهیه کرده‏اند باصول تجاری چاپ کنند و برقابت یکدیگر بمعرض فروش‏ بگذارند.سپس آموزگاران و دبیران هر کتابی را که بهتر تهیه و ارزانتر عرضه شده است‏ بشاگردان توصیه نمایند.هم اکنون وقت تدارک و تهیه کتابهای سال تحصیلی آینده است. جناب آقای دکتر اعظم زنگه وزیر دانشمند و محبوب فرهنگ توجه فرمایند موجبی برای نگرانی‏ اولیای اطفال و عقب افتادن دانش‏آموزان از درس و محرومیت صنف کتابفروش فراهم نشود.

تازی:

ذم الکلام،که نسخهء خطی آن در موزهء بریتانیا محفوظ است.منازل السائرین‏ که نسخ خطی آن در کتابخانه‏های اروپا فراوانست و هم در مطبعة السعادة مصر بسال 1327 قمری(1909 میلادی)چاپ شده و شرح آن بقلم شیخ کمال الدین عبد الرزاق بن ابی الفضائل‏ کاشانی در ایران بسال 1315 قمری چاپ شده است و شرح دیگری از آن بقلم عفیف الدین‏ تلمسانی موجود است‏1.

و نیز خواجه عبد اللّه«طبقات الصوفیهء»ابو عبد الرحمن سلمی را بزبان هروی ترجمه‏ و املاء کرده بود و جامی در تألیف«نفحات الانس»از آن استفاده کرده است.

تفسیر فارسی انصاری

در فهرست‏های کتب خطی که در دسترس بود ذکری از تفسیر فارسی خواجه نیافتم ولی بخشی از این تفسیر که در عهد ناصر الدین شاه قاجار استنساخ شده است اکنون در کتابخانهء ملی تهران موجود است.

تفسیر مزبور اولا برای تکمیل اطلاعات ما بر سبک نگارش خواجهء انصاری‏2بس‏ گرانبهاست و ثانیا در زمرهء چند تفسیر که بفارسی فصیح پیش از دورهء مغول تحریر شده،؟؟؟

مشخصات تفسیر-رسم الخط این نسخه برسم قدیم است و کاتب«پ»را؟؟؟ و«چ»را«ج»و«ک»را«گ»و«که»را«کی»نوشته است‏3دال و ذال را؟؟؟ کرده است و«ن»نفی را از فعل جدا کرده است مانند:بنه کردانیذ.نسخهء مزبور شمارهء صفحه ندارد. از جملهء خصایص سبک این کتاب،تکرار«را»علامت مفعول صریح است.

دیگر آوردن سوم شخص جمع ماضی مطلق بجای سوم شخص مفرد ماضی استمراری مانند: بکرفتیذ(بجای:گرفتی-میگرفت)و«بردریدیذ»(بجای:بردریدی-برمیدرید)و این‏ رسم در جای دیگر دیده نشد.

دیگر تکرار افعال:در آن ذکر حلال و حرام نبوذ و حدود و احکام نبوذ.

روش تحریر تفسیر مزبور بسبک نثر مرسل است و با نثر مسجع انصاری در کنز السالکین و قلندرنامه‏ و مناجات نامه کاملا اختلاف دارد.

نمونه‏از تفسیر انصاری‏4.

«قوله:و داود و سلیمان‏5.داود بن ایشا6از فرزندان یهوذ ابن یعقوب بوذ،مردی‏ کوتاه،خوب‏روی،باریک تن،دلاور،لشکرشکن.هرگز روی از دشمن بنه کردانیذ و در هیچ وقعه بی‏فتح و بی‏ظفر بازنگشته و قوت وی چنان بوذ کی در روز کار شبانی در ابتداء جوانی شیر را و بلنک را بکرفتیذ و دهن وی از هم بردریدیذ:عمر وی صذ سال بوذ.ملک‏ادامه مطلب در صفحه 68 (1)-نسخهء خطی آن در کتابخانهء آقای صادق وحدت فاضل معاصر موجود است.

(2)-اگرانتساب تفسیر بخواجه ثابت شود.برای اطلاع از سبک تحریر انصاری.رجوع شود:سبک‏ شناسی ج 2 ص 240.

(3)-مگر بطور استثناء.

(4)-با حفظ رسم الخط.

(5)-سورهء 21، آیهء 78.

(6)-در قاموس کتاب مقدس(ص 368):یسا. Jesse,Isai

از رهی معیری

دلازار

نداند رسم یاری،تندخو یاری که من دارم‏ بآزار دلم کوشد،دلازاری که من دارم‏ و گر دل بر کنم از وی نیابم خوشدلی کز نو دلازاری دگر جوید،دل‏زاری که من دارم‏ بخاک من نیفتد سایهء سر و بلند او ببین کوتاهی بخت نگونساری که من دارم‏ تو کز فرخنده روزی،آفتابی همنشین داری‏ چه دانی تیرگی‏های شب تاری که من دارم‏ دل از بیم رهائی خون شود صید محبت را ز راحت سر کشد جان گرفتاری که من دارم‏ دل رنجور من از سینه هر دم میرود سوئی‏ ز بستر می‏گریزد طفل بیماری که من دارم‏ گهی خاری کشم از پا،گهی دستی زنم بر سر بکوی دلفریبان،این بود کاری که من دارم‏ ز پند همنشین ما را فزاید دردمندیها بمرک من مدد سازد پرستاری که من دارم‏ بخندد شمع و گل از شادی بزمی که او دارد بنالد مرغ شب از نالهء زاری که من دارم‏ رهی آنمه بسوی من بچشم دیگران ببیند نداند قیمت یوسف،خریداری که من دارم

ادامه مطلب از صفحه 67 وی جهل سال بوذ و ابتدا[ء]ملک وی بعد از قتل جالوت بوذ بهفت سال و بنوا سرایل‏1بعد از یوشع بن نون هیج کس را جنان مجتمع نشذند کی او را شذند.روی ابو هریرة قال:قال‏ رسول اللّه صلّی اللّه علیه و سلم:الزرقة یمن و کان داود علیه السلام ازرق.رب العزة با وی‏ کرامتها کرد،او را ملک داذ و علم و حکمت و نبوت،و او را کتاب زبور داذ:صذ و بنجاه سورت‏1 بلغت عبرانی،در آن ذکر حلال و حرام نبوذ و حدود و احکام نبوذ.بنجاه سورة1همه موعظت و حکمت بوذ و صذ سورة1بیان وقایع و ذکر حوادث و سرکذشت بنی اسرایل‏1و غیر ایشان بوذ و داود را صوتی خوش بوذ و نغمتی دل ربای.هر که که زبور خواندی بصحرا رفتی و علماء بنی‏ اسرائیل‏1باوی صف کشیذه و دیگر مردمان از پس‏3علما صف کشیذه و جن از بس مردمان‏ صف کشیذه و شیاطین از بس جو و از بس ایشان و حوش ودذان بیابان کوشها فراداشته و مرغ‏ در هوا پروا پروازه‏2(؟)جون داود زبور خواندن کرفتی ایشان همه سماع کردندیذ و آب‏ روان در جای بیستاذی و باذ فروکشاذه ساکن کشتی از لذت نغمهء داود صلوات اللّه علیه.قال‏ ابن مسعود اعطاه اللّه علم الحکم و البصر فی القضاء فکان لا یتتعتع‏3فی القضاء بین الناس. او را در حکم کردن و داوری بریذن میان مردم بصیرت به کمال بوذ و دانش تمام و رب العزة بروی‏ منت نهاده و کفته:یا داود

انا جعلناک خلیفة فی الارض فاحکم بین الناس بالحق

»4

(1)-چنین است در اصل.

(2)-چنین اس در اصل با(پ)سه نقطه.

(3)-تتعتع بی‏آرام و تفته گردید و فی الحدیث:یقرء القرآن و یتتعتع فیه ای یتردد فی قراءته و یتبلد فیه لسانه.(منتهی الارب).

(4)-سورهء 38 آیه 25.